لوح مبارک در جواب سئوالات تسعه تبریز ارومیه جناب وحید حضرت لسان حضور علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای وحید فرید نامه پنجم محرم ١٣٢٩ رسید هر چند روز پیش نامه مفصلی بشما مرقوم گردیده که هنوز مسوده مانده و بر کاغذ مخصوص نقل نگردیده بود که این نامه رسید معذلک با عدم آنی فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد تا بدانی که محبت بچه درجه است اما از اختصار جواب معذور دارید.

[1] جواب سئوال اول بعد الاعظم میفرماید این بیان مشروط بثبوت بر میثاق و امتثال امر بود بعد از مخالفت البته سقوط است چنانکه در الواح تصریح میفرمایند و جمیع ناقضین حتی نفس مرکز نقض نیز معترف باین نص قاطع هستند که بصراحت جمال مبارک میفرمایند که میرزا محمّد علیّ اگر آنی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف بوده و خواهد بود چه انحرافی اعظم از نقض میثاق است چه انحرافی اعظم از مخالفت امر است چه انحرافی اعظم از تکفیر میثاق است چه انحرافی اعظم از تألیف رسائل و شبهات و نشر در آفاق بر ضد مرکز عهد است چه انحرافی اعظم از افتراء بر عبدالبهاء است چه انحرافی اعظم از فساد در دین الله است چه انحرافی اعظم از اتفاق با اعدای عبدالبهاست چه انحرافی اعظم از تقدیم لوایح بر ضد او بپادشاه ظالم سلطان مخلوع عثمانیان است و قس علی ذلک این انحراف نیست بلکه بجمیع قوی مخالفت و بغضا و عداوت بعبدالبهاء مظلوم آفاقست دیگر بعد الاعظم چه حکمی دارد و اغصان محصور در اشخاص نه تسلسل دارد هر یک ثابت مقبول و هر یک متزلزل ساقط چنانکه در الواح و زبر منصوص است.

[2] و امّا کلمه اصطفی در قرآن البته قرائت فرموده‌اید که میفرماید ﴿ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الکِتَابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُم ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُم سَابِقُ بِالخَیْرَاتِ ﴾ یعنی نفوسی که اصطفا شده‌اند بر سه قسمند از جمله یک قسم ظالم لنفسه است و همچنین بعد الاعظم را ملاحظه فرما که میفرماید وَ مَا بَعْدُ الحَقِّ إِلَّا الضَّلَالِ المُبِینِ.

[3] امّا حقوق بعد از وضع مصارف سنه کامله آنچه زیاده باقی بماند حقوق بر آن تعلق یابد ولکن نقود و مالی که ممر معاش باشد و یکدفعه حقوق آن داده شده یا ملکی که حقوق آن داده شده اگر ربع آن کفایت مصارف کند و بس دیگر حقوق بر آن تعلق نگیرد.

[4] و امّا در آیه فرقان ﴿ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴾ مقصد آنست که امور عظیمه و وقایع کلیه و حوادث بینهایه که ظهور و اجرایش منوط بمدت خمسین الف سنه است در آن یوم واحد مجری گردد اینست که در مقام دیگر در لمح بصر میفرماید و مقصود از این آیه یوم ظهور جمال ابهاست که بمقدار خمسین الف سنه است نه خمسین الف سنه چنانکه گفته میشود یکساعت فراق مقدار هزار سال است.

[5] امّا آیه مبارکه [مَنْ یَدَّعِي أَمْرًا قبل اتمامِ ألف سنة] بیان مقدار نیست الف سنه است یعنی هزار سال معروف مشهور که در عرف علمای ریاضی مسلم و مقرر و نزد ناس محقق و مصطلح است و انذارات بطا هنوز اتمام نگردیده و همچنین بشارات نبوت اول دانیال حسابش از بدایت بعثت حضرت رسول است که تقریبا بحساب هجرت هزار و دویست و هشتاد میشود و نبوت ثانی بحساب سنه هجریست یعنی از بدایت هجرت پس هزار و سیصد و سی و پنج هنوز نیامده است.

[6] و امّا در مکاشفات یوحنّا مقصد از وحش که عدد اسمش ششصد و شصت و شش است مقصود از عدد تاریخ سنه است زیرا آن وحش که پادشاه اموی است در سنه ٦٦٦میلادی ظهور یافت و این خبر راجع بارض مقدس بود.

[7] و امّا شعر سلطان حسین اخلاطی عدد یا علیّ محمّد است و سنه ظهور را تصریح نموده که [ بَعْدَ الرَّاءِ وَ غَیْن ] است تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی باذن و اجازه مرجع امر.

[8] و امّا حضور بعتبه مقدّسه مشروط باذن است.

[9] و امّا مسئله یبارک سریر الطّاء سنبیّن لک إن شاء الله و أراد وَ لَا تَقُلْ لِشَيءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِکَ غَدًا إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللهُ و علیک البهاء الابهی ع ع " انتهی